



مقایسه جهان بینی ساسانی با جهان بینی اسلامی

اسلام با احتکار و راکد گذاردن ثروت و سرمایه‌های هنگفت و تجملات بی حساب
شدیدا مخالف است ولی ساسانی‌ها اینها را از افتخارات خود می‌شمردند .

ناسیونالیسم خشن ساسانی ژوهرشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
و تازیان مسلمان دو جهان بینی کاملاً متضاد
داشتند .

تصادم دونیرو گاهی از تصادم دو
فکر متضاد بوجود می‌آید ، و در آنجا که دو
طرز تفکر وجود دارد دو گروه طرفدار دو فکر
نمی‌توانند بتوافق برسند ، قطعاً دونیرو در
مقابل هم بوجود می‌آید و حتی باعث جنگهای
وحشتناک هم می‌گردد .
برخورد لشکر اسلام بالشکر ساسانی
برخورد دو فکر متضاد است سلسله ساسانی

" جهان بینی " عبارتست از نوع
تلقی‌ای که انسان از " هستی " یا " وجود " ژوهرشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
دارد ، جهان بینی هر مکتب ، زیر بنای آن
مکتب را تشکیل میدهد .
" جهان بینی ساسانی " درست
مثل یک مرام ناسیونالیسم دوآتشفه بود . از
نظر آنها " نژاد آریا " از همه نژادها برتر
و بالاتر بود و در میان " نژاد آریا " هم تنها

ولی ارزشهای انسانی در جهان بینی اسلامی مبده و منشاء تمام انسانها یکی است و در این باره قرآن انسانها را مخاطب قرار داده و می فرماید " ما شمارا از " یک جنس نر" و " یک جنس ماده" آفریده ایم و به ملت ها تقسیمتان کرده ایم ، برای آنکه یکدیگر را بشناسید ولی گرامی ترین شما ، در پیشگاه خداوند نیز تنها ، پرهیزگارترین شماست "۱

بدین ترتیب در آموزش اسلام ، بشرها ، نخست ، از نظر زیستن ، همه دارای منشاء واحدند و هیچکس را از نظر نژادی ، مزیتی بردیگران نیست و دیگر آنکه از نظر ارزیابی اخلاقی و ارزش سنجی انسانی نیز معیار در سنجش انسانها ، " رفتار " آنهاست نه " خون " و " نژاد " آنها

هر کس اخلاق و رفتارش بهتر است و تقوا و پرهیزگاریش بیشتر است ، از نظر اسلام ، همو گرامی تر و ارزنده تر است ، و در غیر این صورت ، هیچکس را ، بر کس دیگری امتیاز و تفاخر نیست .

در " جهان بینی اسلام " ، " سیاه حبشی " و " سید قرشی " در صورتی که آراسته با جامه های زیبای تقوا و پرهیزگاری باشند ، با " نساوی حقوقی و انسانی " در پناه اسلام بسر می برند .

خون پاک و نژاد برتر و برگزیده خداوند سلسله ساسانی است . به پندار آنان تمام نعمتها برای آنها آفریده شده بود و توده مردم برده و بنده آنها محسوب می شدند و خود را خدایان زمین می دانستند و مردم را وادار می کردند که آنها را چنین بخوانند .

" انسانی جاویدان در میان خدایان و خدائی بسیار توانا در میان آدمیان . دارای آوازه بلند . شهر یاری که با خورشید میدمد و دیدگان خود را به شب میدهد "۱

توده مردم در دولت ساسانی همانند اشترانی بودند که فقط بخاطر بیگاری برای نخبان ، حق حیات داشتند ، مخارج جنگ و هزینه سنگین دستگاه پرتجملات و پرتشریفات ، با این طبقه بود .

به پندار آنها ملت های دیگر همماز نسل اهرمن هستند . از اهرمن جز زشتی ، پلیدی ، بدخواهی ، کینه توزی نمی توان انتظار داشت لذا پیوسته با ملت های دیگر رابطه خصمانه داشتند . و سعادت و موفقیت خود را هنگامی تضمین شده می دانستند که رقیب ها ، همه از میان برداشته شوند .

ناسیونالیست های ساسانی ، لازمه ستایش خویش ، و خود ستائی خود را دشنام و تحقیر دیگران می انگاشتند .

۱- تاریخ سلاطین ساسانی اعتماد السلطنه بنقل رهنما زندگانی امام حسین (ع) ص ۱۱
 ۲- سوره حجرات آیه ۱۳

آن نظام ، نظام اسلامی و انسانی نیست و اسلام آن را قبول ندارد . و برای دولت اسلامی " مبارزه با فقر و گرسنگی " در درجه اول اهمیت قرار دارد و لذا " اساسی ترین کوشش و رنج راستین پیشوای اسلام علی (ع) سیر کردن گرسنگان و ایجاد تفاهم در حکمرانان و طبقات توانگر ، نسبت به رنج‌های توان-فرسای آنان است .

علی (ع) خو را ک و پو شاک و آسایش را بر خود تحریم می‌کند تا مبدا لحظه‌ای از درد توده‌ها ، غافل بماند . امام در ضمن نامه توبیخ آمیز به " عثمان بن حنیف " فرماندار بصره ، برنامه دولت خود را چنین تشریح می‌کند " . . . من که زمامدار گروهی بیشمارم سزاوار نیست ، شی را با شکم سیر سر بر بالش گذارم ، تا مبدا در حجاز یا یمن ، یا یک گوشه‌ی دور دست دیگر از کشور اسلام بینوایی گرسنه بخوابد و من با او شریک و همدرد و برابر نباشم . . . " ۴

در منطق ساسانی زرق و برق و تجملات زندگی لوکس و سیری افتخار و عظمت است ولی سادگی و فقر و گرسنگی ننگ و پستی است . ساسانی فقط به زندگی پر طمطراق خود می‌بالد و اینها را برای خود افتخار می‌شمارد و لذا برای ابراز شوکت و عظمت و بزرگی شخصی خود آنقدر تجمل فراهم می‌کند

در اسلام خلیفه هم مانند سایر افراد مسلمین است و اعمال و رفتارش باید مبتنی بر اصول دین اسلام ، و او امر پروردگار باشد و حتی او بیش از افراد دیگر ، بجهت مقامی که دارد ، باید از اصل مزیت تقوا ، حداکثر ممکن برخوردار باشد .

یکی از خلفا به مردم می‌گوید : " تاروژی که در رفتار و اعمالم نسبت به شما پیروی از خدا و رسولش می‌کنم ، مرا اطاعت کنید و اگر دیدید من از او امر آنها سرپیچی می‌کنم ، در همان حال از من نافرمانی نمائید " ۳

در اسلام حق حیات برای همه محفوظ است ، یکی از اصول ابتدائی اسلام این است که ثروت نباید در دست اغنیاء حالت انحصاری پیدا کند ، قرآن می‌فرماید " کی لایکون دوله بین الاغنیاء منکم " یعنی انفاقات را لازم کردیم تا ثروت در میان ثروتمندان دست بدست نگردد .

پس هر نظامی که منجر شود عده‌ای از ثروت عمومی به عیاشی و فراهم کردن وسائل زندگی تجملاتی و لوکس بپردازند و توده مردم در فقر و گرسنگی و محرومیت به سربرند و یا هر جربانی که باعث شود پول و ثروت در دست افراد معدود محبوس گردد و در نتیجه ثروتها در میدان کوچک گردش کند

۳- اسلام صراط مستقیم بقلم عده‌ای از خاورشناسان به اهتمام مورگان ص ۱۴۵

۴- نهج البلاغه - قسمت نامه‌ها

عجائب و غرائب نشان می‌دهد که دیده‌
بینندگان را خیره می‌سازد.

ولی بینش اسلامی، درست برعکس
آن است، گرسنگی اگر ننگ است ننگ انسانهای
سیراست، اگر مسلمانی سیر بخواید در حالی
که همسایه‌اش گرسنه و تنگدست باشد، از
حقیقت و روح اسلام خارج است. زندگی
مسلمان باید ساده و خالی از پیرایه‌ها و
تجملات و تشریفات کمر شکن باشد.

در منطق اسلام زندگانی لوکس و
تجملاتی ارزشی ندارد، خصوصا وقتی که در
جهان افرادی گرسنه و فقیر باشند.

خلاصه جهان بینی ساسانی با
جهان بینی اسلامی کاملا متناقض است، آنچه
برای ساسانی مایه تفاخر است برای مسلمان
نگ و شرم آور است و آنچه برای مسلمان
افتخار است برای ساسانی توحش و پستی
است، هرانسانی جهان را براساس جهان-
بینی خود می‌شناسد و هر قضیه را با بینش
خاص خود تجزیه و تحلیل می‌نماید.

لذا ممکن است کسی قضا یا را از چهار
چوب اعتقادی و ارزشهای معین ساسانی
بنگرد فتوحات و عمل مسلمانان را در جنگ
"قادسیه" و "نهایند" بشدت تقبیح کند.
چنانکه ناسیونالیستهای منفی، پس از چهارده
قرن به قضا یا با همان نظر کوتاه و تنگ ساسانی

نگاه می‌کنند و بقول یکی از دانشمندان
"... همچنان دشنام خودپسندانهای سپهبد
مقهور را، به پیروزمندان عرب، به عنوان
شیرشتر خواران و سوسمار خواران با وجود
شکست جهان بینی رستم، و پیروزی جهان
بینی اعراب، همچنان کوتاه‌بینانه و کینه‌توزانه
تکرار می‌کنند" ۵ یکی از ناسیونالیستهای
منفی می‌نویسد

"... در واقع ویرانیها و خسارتهائی

که اعراب به ایران وارد آوردند هر صاحب
ادراک معرفت را داغدار می‌کند، تلف شدن
فرش معروف بهار کسری که از تالار قصر سفید
نوشیروان در مداین بفارت بردند چیزی
است که همیشه صفحات تاریخ اسلام را
لکه دار خواهد گذاشت..." ۶

یکی دیگر از نویسندگان کوتاه‌بین و
متعصب، اضافه می‌کند "اعراب وحشی و
بی‌هنر، چنان فرش زیبایی را در یک شب
قطعه‌قطعه کرده بهمدیگر فروختند، این نوع
وحشیگری نه در بین واندلها و هونها و ساکاها
و نه در بین مغولها، افغانها و ترکها،
مقدونیهها هیچکدام دیده نشده، این وحشی-
گری مخصوص اعراب بی‌هنر بود اعراب در
وحشیگری کمال هنری خود را نشان دادند" ۷
ولی اگر کسی قضا یا را با مقیاس
جهانی وبا بینش واقع بینانه بنگرد می‌بیند

۵- دیباچه‌ای بر رهبری دکتر صاحب‌الزمانی ص ۳۲۵

۶- از تجلیات روح ایرلنی (ایران‌شهر) بنقل مهرداد مهرین

۷- تمدن ایران باستان مهرداد مهرین صفحه ۴۵

بیان گذشته برعواطف و احساسات قومی کاذب متکی است نه بر عقل و منطق .

" طبری " جریان فرش نگارستان را این چنین می نویسد " روز فتح مداین ، فرش بهارستان کسری ، بدست مسلمانها افتاد این فرش در ایوان گسترده می شد و چسب سنگین بود فراریها آن را نتوانسته بودند ، با خود ببرند این فرش پر قیمت از ابریشم و طلا و نقره و جواهرات بافته شده بود . این فرش را برای زمستان که گل و سبزه نبود ، آماده کرده بودند و معمولشان بود هنگامی که می خواستند شراب بخورند بر روی آن که گوئی در باغ با صفائی هستند ، می نشستند و بساط میگساری را پهن می کردند . این قالی ۶۰×۶۰ ذراع که جمعا سه هزار و شصت ذراع می شد و کل مساحت آن یک جریب بود .

این فرش که عربها آن را " قطیف " می نامیدند (یعنی گلچین یا گل و بوته یا گلستان یا میوه خانه پراز میوه) به مدینه فرستاده شد تا خلیفه هرکاری می خواهد با آن بکند . عمر مردم را جمع کرد و حمد و ثنا خواند از مردم درباره این فرش رای خواست ، اصحاب گفتند این فرش را مسلمانان برای تو اختصاص داده اند ، تا نظر تو چه باشد ؟

گوا اینکه عمر هم بی میل نبود که این فرش به مقام خلافت اختصاص داده شود .

در این میان علی (ع) که پیش از همه با روح دین و " جهان بینی اسلامی " آشنائی داشت قیام کرد و فرمود " لم تجعل علمک جهلا و یقینک شکا انه لیس لک من الدنیا الا ما اعطیت . . . " چرا " علم " خود را " جهل " و " یقین " خود را مبدل به " شک " می کنی برای تو از دنیا همان خواهد ماند که در راه خدا انفاق کرده ای و کار از پیش برده ای یا پوشیده ای و کهنه کرده ای یا خورده ای و از بین برده ای .

اگر تو آن را بهمین صورت نگهداری فردا کسانی پیدا می شوند که آن را حق خود دانسته و خود را مستحق آن می دانند یعنی این مایه فتنه جهان است کسانی بصد آن بخواهند خاست .

بدین ترتیب علی (ع) عمر را از تردید در آورد ، از تاثیر رهبری اسلام خلیفه هم هشیار شد ، صدق و صمیمیت و نصیحت امام را تصدیق کرد و دستور داد فرش را پاره پاره کرده بین مردم قسمت کردند ، قطعه ای از آن که از قطعات دیگر بهتر نبوده بعلی (ع) رسید که به بیست هزار درهم فروش رفت . ۸ .

چرا تا زبان قالی نگارستان را قطعه قطعه کردند ؟

فرش بهارستان که هر قطعه آن به بیست هزار درهم فروش رفت اگر چنانچه

در دولت اسلامی باید افراد و توده مردم تقویت بشوند، آنها پشتوانه حکومت اسلامی هستند.

۳- یا این که این ثروت هنگفت و کلان را از احتکار درآوردند و تبدیل کنند به قوای موثر تر و پرازش تر که قوای تولید و کار است. این هم بدو صورت امکان پذیر بود یا آن را یک پارچه بفروشدند و بایه‌های آن این منظور را عملی سازند، مسلمانان آن زمان چنین خریداری نبود، و یا اینکه مواد اولیه آن را از هم جدا نموده و به صورت قطعات کوچک درآوردند تا قابل فروش باشد. البته بهترین و عقلانی‌ترین راه همان بود که عمر به دستور رهبر عالیقدر اسلام علی (ع) انجام داد.

طبق تحقیقات بعضی از محققین امام (ع) از سهم خود سیصد هزار نخله خرما بعمل آورد و قنات "بقرملک" را که ویران شده بود خرید و آباد ساخت و آن نخله‌ها را مشروب کرد تا خوراک و نان خورش دو "زمره مردم" را در سفره آنها نهاد وقف آنها شد یک زمره رهروان راه خانه خدا... و زمره دیگر مستمندان و گرسنگان...^۹

آری اسلام با احتکار و راکد گذاردن طلا و جواهرات و سرمایه‌های هنگفت و

بقیه در صفحه ۴۵

سپاهیان سعد موقع فتح ایران ۶۰۰۰۰ نفر بود، بهر یک از این قالی بیست هزار درهم برسد، قیمت این قالی چه مبلغ می‌شود؟. و برای هر متر آن عواید سالیانه مملکتی چون ایران صرف شده بود. با این فرشی یکی از چندکار انجام پذیر بود

۱- یکی این که آن را بعنوان چیز لوکس و تجملی نگهدارند یا بشخص خلیفه اختصاص بدهند و سپس خلیفه زادگان تفریحات و عیش و نوش خود را روی آن انجام دهند، اگرچه این کار با بینش ساسانی کار درستی بود، ولی از دیدگاه اسلام کار غلط و نادرستی است و با تساوی و دمکراسی و زندگی زهد منبشانه اسلامی منافات دارد.

۲- و یا اینکه بهمان صورت پشتوانه و ذخیره دولت باشد، البته این هم کار صحیحی نیست زیرا

اولا- احتکار و راکد گذاشتن ثروت از نظر اسلام کار ناروایی است و ثانیاً دولت اسلامی احتیاج به این نوع پشتوانه ندارد، ایمان مسلمانان پشتوانه دولت اسلامی است و اگر مسلمانان بدولت خود ایمان داشته باشند هر موقع دولت احتیاج مالی داشته باشد ثروت مسلمانان مال دولت است و لذا در عهد اول (تا عهد بنی امیه) مسلمانان خزانه بیت المال داشتند.

۹- مراجعه شود به کتاب ارزشمند "فتاوی صحابی کبیر سلمان فارسی" صفحه ۱۷۵

کوشه‌ای از زندگی غربیها

xxxxxxx

در آمریکا تبلیغات کلیسا بسیار زیاد است، صبح‌روز یکشنبه همه جا تعطیل می‌شود، فروشگاهها، بانکها، سینماها و تئاترها که تمام مدت هفته و روزهای تعطیل کار می‌کنند، صبح یکشنبه تعطیل می‌باشند و همه چیز برای رفتن به کلیسا آماده می‌شود صبح روز یکشنبه اغلب فرستنده های تلویزیونی از کلیسا برنامه پخش می‌کنند، با پدرهای روحانی مصاحبه می‌کنند و افراد مختلف راجع به امور دینی صحبت مینمایند و برنامه‌های آواز و غیره را از کلیسا پخش میکنند، کلیسا توبوسهای متعددی در اختیار دارد که روزهای یکشنبه مردم را با آنها به کلیسا می‌برند و برمی‌گردانند. کلیسا در اینجا از وضع مالی خوبی برخوردار است و هر دانشجویی که به دانشگاه می‌رود ضمن فرمهایی که بر می‌کند از او سؤال می‌شود چه مذهبی داری و اگر مسیحی هستی پیرو چه فرقهای می‌باشی؟

کلیسا به عده‌ای از دانشجویانی که وضع مالی خوبی ندارند کمک مالی می‌کند

تبلیغات عجیب کلیسا به سود خود و بر ضد اسلام - آزادی وسیع و وحشتناک جنسی در آمریکا - در اینجا از داشتن فرزند متنفرند اما در عوض به سگ و گربه علاقه شدیدی نشان می‌دهند

با عرض سلام از اینکه روز بروز بر کیفیت مجله می‌افزایید و هر شماره را بهتر و مفیدتر از شماره قبیل می‌کنید من بنوبه خود و به عنوان یک مشترک از شما تشکر می‌کنم امیدوارم که در پناه خداوند متعال روز بروز در کارتان موفقتر باشید.

من کمتر از سه سال است که مشترک مجله مکتب اسلام هستم و همین مدت برایم کافی بود تا به ارزش و اثر آن مجله در اجتماع پی ببرم. آنچه باعث شد این نامه را برای شما بنویسم، وقایع و تحولاتی است که در جامعه آمریکائی رخ می‌دهد و ما بعنوان یک جامعه زنده ناگزیریم از وقایعی که در اطراف ما می‌گذرد با اطلاع باشیم. این نامه از چندین قسمت تشکیل شده است چنانچه مطالب آن مفید بسود می‌توانید آن را در مجله چاپ کنید

عاجز هستند در تعطیلات مذهبی، رادیوها تلویزیونها، سینماها، روزنامهها، تئاترها، همه وهمه مملو از برنامهها و فیلمها و مقالات مذهبی می‌گردد و این موضوع در شهرهای کوچک آمریکا بطورکاملا محسوسی بیشتر است فروش عکسها و پوستره‌های مسیح و مریم رواج کامل دارد و در این باره حتی از فروش عکسهای لخت خدایشان مسیح نیز دریغ نمی‌کنند.

xxxxx

مشروبات الکلی چیزهای بسیار بد و مضر هستند و تقریباً همه دنیا این واقعیت را قبول کرده‌اند و آنهایی که قبول ندارند در واقع دلشان میخواهد که قبول نداشته باشند ولی در باطن خود به این حقیقت اعتراف دارند. در بعضی از ایالتهای آمریکا در روزهای یکشنبه فروش مشروبات الکلی ممنوع است و فروشگاههای مشروبات الکلی تعطیل هستند (این ممنوعیت شامل تعطیلات مذهبی نیز میشود). با این حال در بعضی از جزوه‌ها و کتابهای منتشره از طرف کلیسا دیده می‌شود که از قول عیسی می‌گویند مشروب خون من است و... کار به جایی رسیده که یک نوع مشروب مخصوص برادران مسیحی ساخته شده است و در

البتّه آن دانشجو باید دارای استانداردهای موافق با کلیسا باشد در شهرهای بزرگ آمریکا هتل‌هایی که در واقع کلیساهایی است که بوسیله کشیشان اداره می‌شود به کسانی که از شهرهای دیگر می‌آیند و غریب هستند اطاق کرایه می‌دهد، کسانی می‌توانند از این هتل‌ها استفاده کنند که جوان و مجرد باشند، این هتلها بسیار ارزان است و عده زیادی را بخود جلب می‌کند، این جوانان ناگزیر در مقداری از برنامه‌های کلیسا نیز شرکت می‌کنند، کلیسا غیر از برنامه‌های روزهای یکشنبه، اجتماعات دیگری نیز تشکیل میدهد مثلاً در دانشگاه ایالتی آیوا در ساختمانی که محل تجمع دانشجویان است هر روز بمدت یکساعت برنامه دارد و در آن برنامه‌ها کتابهای مذهبی را تدریس می‌کنند و موزیکهای مذهبی می‌نوازند، و آوازهای مذهبی می‌خوانند غیر از این جلسه‌ها که بطور منظم هر روز تشکیل می‌شود. برنامه‌های متعدد و مهمانیهای مجللی نیز هر چند وقت یکبار و بمناسبتی، تشکیل میدهد و در آنها از استادان و افراد متنفذ دعوت می‌شود تا درباره مسیح و تعلیمات او صحبت کنند. مهمترین مسئله‌ای که در اغلب این میهمانیها و جلسات مطرح می‌شود مسئله "تثلیث" است، زیرا درکش خیلی مشکل است و حتی افراد مذهبی نیز از توجیه آن

که به مرد اجازه می‌دهد چهار زن بگیرد و این تنها مطلبی است که آنها از اسلام می‌دانند .

کلیسا در کتابهایش ، اغلب مسائل را از یک جنبه ، عنوان می‌کند و بایک بعدی نگاه کردن به مسائل ، حقایق را وارونه نشان داده و از بین می‌برد ، کلیسا در کتابهایش بسیار سعی کرده و می‌کند تا حضرت محمد (ص) را یک آدم شهوانی نشان داده و جلوه بدهد و البته این تبلیغات بی‌اثر نبوده ، بعنوان مثال در یکی از کتابچه‌های منتشره از طرف کلیسا به نام " عیسی ، زرتشت ، بودا ، سقراط ، محمد " نوشته " ادوین یاماچی " چاپ سوم دسامبر ۱۹۷۴

به عنوان نمونه ، مسئله کمی سن عایشه را عنوان می‌کند بدون توجه به این مطلب که یک دختر در عربستان در سن نه سالگی یک دختر بالغ است و با یک دختر نه ساله غربی و یک دختری که در مناطق سردسیر زندگی می‌کند ، کاملاً فرق دارد ، یک دختر نه ساله در عربستان ، از نظر جسمانی شاید برابر با دختر هفده ساله آمریکائی باشد .

تعداد ازدواجها ، در آمریکا بشدت رو به کاهش است ولی روابط آزاد جنسی نه تنها رو به کاهش نیست بلکه بطور تصاعدی

خیابانهای مختلف شهر تابلوهائی دیده می‌شود که این نوع مشروب را معرفی می‌کند .

xxxxxx

کلیسا کتابهای زیادی منتشر می‌کند و آنها را مجاناً یا با قیمت نازل در اختیار مردم می‌گذارد یکی از پایگاههای مهم تبلیغاتی آن ، دانشگاهها هستند . در دانشگاهها هر هفته غرفه یا غرفه‌هایی تشکیل می‌دهد و کتابها را عرضه می‌نماید کتابهایی که منتشر می‌کند البته در باره مذاهب و مسلکهای دیگر و بخصوص درباره اسلام نیز هست و همانطور که از آنها انتظار می‌رود با وارونه جلوه دادن حقایق ، سعی می‌کند که در باره مذاهب دیگر خصوصاً اسلام دیدی منفی به پیروانش بدهد و خود را بهترین ادیان ، معرفی کند و البته موفقیت‌هایی هم بدست آورده است .

xxxxxx

بزرگترین ایرادی که آنها از اسلام می‌گیرند مسئله تعدد زوجات است و آن را سخت به باد انتقاد گرفته و مسخره می‌کنند اغلب آمریکائیهها ، هیچ درباره اسلام نمی‌دانند غیر از اینکه در اسلام یک قانون است

تمدن غرب برای زنان به ارمغان آورده و باعث شده که تعداد ازدواجها خیلی کم شود.

از طرف دیگر تعداد طلاقها در آمریکا بسیار زیاد شده و همچنان رو به فزونی است زنانسی که زیبا تر هستند و در شوهر پیدا کردن با تجربه تر، بارها ازدواج می کنند در اینجا به عده نسبتا زیادی زن می توان برخورد که در طول زندگی شان بیش از ۵ بار به خانه شوهر رفته اند

طبق قانونی که در آمریکا وجود دارد هر زنی که ازدواج می کند پس از ازدواج، با نام شوهر خود، خوانده می شود مثلا دوشیزه "باربارا براون" اگر با آقای "اسمیت" ازدواج کند نامش باربارا اسمیت می شود حال اگر این خانم پنج بار شوهر کند در مدت زندگی خود با "پنج نام خوانده می شود" و این مطلب از نظر حقوقی و روابط اجتماعی مشکلات زیادی ایجاد می کند به همین دلیل طبق قانون جدیدی که وضع شده است زنها دیگر، باید از نام اصلی خود استفاده کنند و قبل از اسمشان، باید کلمه *MRS.* بگذارند البته این قانون و روش مدتی طول می کشد تا جانشین قانون قبلی گردد و هنوز کاملا اجرا نشده است.

خانواده هائی که ازدواج می کنند بشدت از داشتن بچه گریزان هستند و در

زیاد شده است، حالا دیگر دخترها و پسرها بدون ازدواج باهم زندگی می کنند و گاهی هم چندین دختر و پسر باهم دیگر اجتماعات کوچکی تشکیل داده و باهم زندگی می کنند متاسفانه تعداد این گونه اجتماعات روز به روز افزوده می شود، این دخترها و پسرها معتقد به ازدواج رسمی نیستند و آنرا غیر لازم می پندارند.

آنها در اجتماعات خود، از متصرفات هم دیگر نیز گاهی استفاده می کنند و این مسئله را اینطور توجیه می کنند که آنها به هم دیگر و به روابط جنسی، نیاز دارند چون یک امر طبیعی است. بعلت گاهش ازدواجها، روزانه به تعداد زیادی زن می توان برخورد که جلوی اسمشان کلمه *Miss* (یعنی دوشیزه) است، یعنی بعضی از آنها، واقعا پیر هستند بطوری که اگر معجزه های رخ دهد و با این سن زیاد، به خانه شوهر بروند نمی توانند یک همسر باشند بلکه فقط می توانند یک مادر بزرگ باشند. این زنها رفته رفته با بالا رفتن سنشان، از اینکه جلوی اسمشان کلمه دوشیزه است خجالت می کشند و شاید از این بابت زجر می کشند، و اگر مجبور نبودند که در جلوی اسمشان کلمه دوشیزه را بگذارند، حتما خوشحال می شدند. ناراحت کننده و خجالت آور است مثلا به یک زن ۶۰ ساله بگویند دوشیزه... این ظلمی است که

کوچک و بزرگی را دیدم که با صاحبان خود از کلاسهای درس خارج می‌شدند. در تلویزیونها و سینماها و سایر وسایل ارتباط جمعی، برای شامپوی شستشوی بدن، انواع پودر واسپری تمیزکننده، وان حمام، وسایل بازی و غذای گربه و سگ تبلیغ زیادی می‌کنند مقدار تبلیغاتی که برای غذای گربه و سگ می‌کنند بیش از میزان تبلیغاتی است که برای شیرخشک بچه می‌کنند.

طبق آماري که منتشر شده آمریکاها سالی ۷۰۰ میلیون دلار پول خوراک گربه می‌دهند. (لابد آمار مربوط به خرج خوراک سگ چندین برابر خرجی است که آمریکاها برای خوراک گربه می‌کنند.)

عوض، به داشتن حیوانات خانگی خصوصا به سگ و گربه علاقه نشان می‌دهند آنهايي که بواسطه شرایط خاص زندگی خود، نمی‌توانند سگ و گربه نگهداری کنند سگ و گربه پلاستیکی می‌خرند و از داشتن آنها، در خانه لذت می‌برند. نوع اخیر، خصوصا شامل خانواده‌هایی است که در آن، زن و شوهر در بیرون از خانه کار می‌کنند. تعداد کسانی که از سگ نگهداری می‌کنند به طرز محسوس و فوق العاده‌ای، بیشتر از کسانی است که از گربه و دیگر حیوانات، نگهداری می‌کنند. آنها سگ را همیشه همراه دارند. در گردشگاهها، در خیابانها، در مسافرت‌ها و حتی در دانشگاهها، و سر کلاسهای درس، من بارها در راهروهای دانشگاه، سگ‌های

بقیه :

آیا پیامبران از خود ارث نمی‌گذارند؟

زکریا وارث همه خاندان یعقوب باشد بلکه مقصود به قرینه لفظ "من" که به معنی تبعیض است، این است که از بعضی از این خاندان ارث ببرد نه از همه، در صحت این مطلب کافی است که وی از مادر خود، و یا فرد دیگر که از خاندان یعقوب می‌باشد ارث ببرد. حالا مقصود از این یعقوب، کیست، آیا همان یعقوب بن اسحاق و یا فرد دیگر است فعلا برای ما مطرح نیست.

بقیه قتل و تجاوز در جاده‌ها

شدت عمل به خرج دادن در زمینه مجازاتها کار آسانی است، ولی عکس العمل نشان دادن روی انگیزه‌ها، روی اموری که طرفدار دارد، یا لاقلمبیل روشنفکری کاذب معرفی شده، کار ساده‌ای نیست و شجاعت بسیار می‌خواهد، امیدواریم با بیداری توده مردم، و خودیاری آنها، این شهامت و شجاعت نیز تدریجا در حقوقدانهای ما پیدا شود، و در کنار اندیشیدن روی مجازات‌ها روی علل تشکیل جرم، نیز دقت کنند.

بیماری خطرناکی که هم فرزند شما را می‌کند و هم جامعه را

این حقیقت تلخ را نمیتوان پوشیده داشت که انواع ناراحتیهای روحی و جسمی، خانوادگی و اجتماعی در اثر عواملی چند، کم و بیش در جوامع مختلف بشر، در هر عصری وجود داشته و زیانهای را نیز متناسب با آن عوامل پدید آورده است. ولی چندان عمیق و اساسی نبوده است ولیکن در سالهای اخیر، علی‌رغم پیشرفت علم و دانش و تکنیک، دگرگونیهای عمیق و اساسی در مفهوم و مصداق صفات روحی، پدیدار گشته است.

خوانندگان می‌توانند آثار این دگرگونی را در نوشته‌های دانشمندان و مطبوعات و جرائد ایران و جهان مطالعه کنند و از اینرو بطور قطع، بشر امروزی و تمدن ماشینی فعلی، بخصوص نسل عاصی کنونی، بیش از هر وقت دیگری، نیاز به پرورش اخلاق و ملکات انسانی دارد و ضرورت ایجاد مراکز تربیتی صحیح روحی برای توضیح مفاهیم صفات عالی انسانی بمنظور جلوگیری

از سقوط جوانان بمنجلاب فساد به طور بارزتری احساس می‌شود و بیش از هر چیز آگاهی از متن سخنان ائمه اطهار (ع) در مسائل اخلاقی که راه گشای زندگی پرتلاطم می‌باشد لازم بنظر می‌رسد روی این ملاحظات برخی از موضوعات اخلاقی را با ملاحظه متن کلمات رهبران مذهبی، مورد بررسی قرار می‌دهیم و از ویژگی‌های این بحث‌ها این است که بررسی را منحصر در اطراف متون وارده از ائمه اطهار در کتب معتبر احادیث و قرآن مجید متمرکز کرده و از کلمات علماء و دانشمندان و تحقیقات آنها پیرامون مسائل اخلاقی و غیر آن سخنی به میان نمی‌آوریم.

xxxxxx

یکی از صفات نکوهیده که بصورت مرض مزمنی در روح افراد بشر از زمانهای قدیم ریشه داونیده است صفت مذموم حسد می‌باشد.

امام هشتم در این مورد چنین می‌فرماید "مرض امت های سابق بسوی شما آمده است و آن دشمنی و حسد بردن نسبت بیکدیگر می‌باشد" ^۱

درد حسود این است که نمی‌تواند در دیگران نعمتی را ببیند و با دیدن مواهب الهی درد دیگران، سخت ناراحت می‌شود و تنها چیزی که این درد روحی او را درمان می‌کند زوال نعمت از دیگران است. در احادیث معتبر از علی (ع) وارد است

"شخص حسود را هیچ چیزی شفا نمی‌بخشد مگر زوال نعمت از دیگران" ^۲

ولکن پرواضح است که مجرد آرزوی زوال نعمت از دیگران، موجب سلب آن نمی‌گردد زیرا خداوند در اثر مصالحی چند از قبیل بقاء و ادامه زندگی و امتحان نمودن بندگان و غیر آنها، انواع نعمت‌ها را در اختیار بشر قرار داده است و نظام کلی آفرینش چنین اقتضایی را دارد و اراده سوء شخص حسود، کوچکترین اثری در تغییر نظام کلی جهان خلقت ندارد.

روی این حساب به این نتیجه می‌رسیم که درد حسود برای همیشه غیر قابل علاج است و روایات معتبری نیز در این خصوص از پیشوایان دینی ما وارد است از جمله چند

- ۱- وسائل ج ۲ ص ۴۷۰
- ۲- مستدرک ج ۲ ص ۳۲۸
- ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ همان مدرک قبل

روایت زیر است

علی (ع) فرمود "حسد مرضی است که معالجه نمی‌شود" ^۳

آری صفت نکوهیده حسد را دو چیز علاج می‌کند و لکن در هر صورت بحال حسود سودی ندارد یکی مرگ شخص حسود دیگری مرگ شخص مورد حسد.

علی (ع) فرمود "حسد مرضی است غیر قابل علاج و این مرض هرگز از روح او زایل نمی‌شود مگر با مرگ خود حسود یا مرگ شخص مورد حسد" ^۴

و در جای دیگر می‌فرماید "حسود دائما مریض است گرچه ظاهرا تن سالمی داشته باشد" ^۵

قریب باین مضمون در جای دیگر از آنحضرت منقول است:

"حسد عیبی است رسوا کننده و بخلسی است خطرناک که صاحبش را شفا نمی‌بخشد مگر با رسیدن بآرزویش در مورد کسی که باو حسد می‌ورزد یعنی زوال نعمت او" ^۶

تنها نتیجه‌ای که این صفت مذموم برای شخص حسود در بردارد این است که در دنیا و جهان دیگر همواره بدبخت باشد و با سرانجام دردناکی از دنیا برود.

علی (ع) فرمود "نتیجه حسد بدبختی و شقاوت در دنیا و آخرت می‌باشد" ^۷

xxxxxxx

چنین توصیه فرمود: ترا از سه خصلت بزرگ (نکوهیده) نهی می‌کنم حسد و آزدروغ گفتن "۱۵"

علی (ع) فرمود "آز و تکبر و حسد هریک از اینها از اسباب گرایش به سوی گناهان می‌باشد" ۱۵

و نیز آنحضرت فرمود "حسد از صفات اشخاص فرومایه است و حسودان دشمنان هر صاحب نعمتی هستند" ۱۶

تذکر این نکته برای خوانندگان لازم است که حسد وقتی مذموم بوده در اخبار از آن نکوهش شده است که در مورد شخصی اعمال شده در خارج بر آن اثری مترتب باشد و گرنه بی اختیار گاه و بیگاه امواجی از آن در قلبها پیدا می‌شود، ولی باید از اعمال آن خودداری کرد.

در روایت معتبری وارد است شخص مومن هرگز حسد خود را نسبت بدیگران اعمال نمی‌کند.

امام علی بن موسی الرضا (ع) فرمود "سه چیز است که هیچ فردی حتی پیامبران از آن خالی نیستند تفکری که موجب وسوسه در آفریننده جهان خلقت باشد و فال بد زدن و حسد نسبت بدیگری داشتن و لکن شخص مومن (هرگز) حسد خود را در مورد شخص دیگری بکار نمی‌برد" ۱۷

در برخی از روایات صحیح نقل شده

- ۱۴- بحار ج ۱۷ ص ۱۹
 ۱۵- نهج البلاغه فیض الاسلام ج ۶ ص ۲۲۵
 ۱۶- مستدرک ج ۲ ص ۲۲۸
 ۱۷- وسائل ج ۲ ص ۴۷۰

تذکر این نکته در اینجا لازمست که اگر می‌خواهید از شر و آفت حسود در امان باشید باید سعی کنید نعمتهای خدا داد مرا برخ حسود نکشید و از وی کتمان نمائید.

پیامبر گرامی اسلام فرمود "با کتمان نعمتها بر قضاء حوائج خود کمیک کنید زیرا هر صاحب نعمتی مورد حسد واقع می‌شود" ۸

از اینرو در اخبار و احادیث معتبر، پیشوایان دینی این صفت ناپسند را با عبارات مختلفی مورد نکوهش قرار داده، حالات روحی شخص حسود را بازگو نموده‌اند، در اینجا چند روایت معتبر را از باب نمونه ذکر می‌کنیم

"حسد دام بزرگ شیطان است" ۹
 "حسود بر مقدرات الهی (قوانین طبیعی) غضبناک است" ۱۰

و در برخی از روایات وارد است:
 "حسد اساس صفات ردیله می‌باشد" ۱۱
 "حسد منشاء سایر عیوب و بدیها می‌باشد" ۱۲

"برای شخص حسود هیچ زیوری نیست که او را آراسته کند" ۱۳
 "صفت حسد از صفات پرهیزکاران نیست" ۱۴

نبی اکرم (ص) خطاب بعلی (ع)

علی (ع) فرمود " شیطان خطاب
بطرفداران خود چنین گفت بین مردم زنا
و حسد را شایع کنید زیرا زنا و حسد شخص
را بطرف شرک نزدیک می‌کند " ۲۲

و نیز امام صادق (ع) در ضمن
اندرزهای خود فرمود " از حسد نسبت به
همدیگر اجتناب کنید زیرا اصل و اساس کفر
حسدورزیدن نسبت بیکدیگر است " ۲۳

پیامبرگرامی اسلام فرمود حسد و
ایمان در قلب مردی جمع نمی‌شوند " ۲۴

امام صادق (ع) فرمود همانا حسد
ایمان را می‌خورد (آنرا از بین می‌برد)
چنانکه آتش هیزم را می‌خورد ۲۵ (و آنرا از
بین برده تبدیل بخاکستر می‌کند)

علی (ع) از این حقیقت باین نحو
تعبیر می‌آورد " حسد ، ایمان را از بین
می‌برد چنانکه آتش یخ را درخود حل کرده
تبدیل به آب می‌کند " ۲۶

xxxxxx

حسد در حالیکه خود ، زاییده کوری
دل و انکار فضل و رحمت پروردگار است و
روایات متعددی نیز بر آن دلالت دارد ، خود
منشاء و سرچشمهٔ یک سلسله از بدیها و صفات
رذیله انسانی نیز بشمار میرود .

بقیه در صفحه ۴۰

است که اگر برادر مومن خود حسد ورزی
می‌توانی خود را از شر آن خلاص کنی باین
طریق که برحسد خود ترتیب‌انرژی " ۱۸
آری در روایات معتبر اسلامی وارد
است که شخص مومن نسبت بعمل مومن دیگر
و نعمتهائی که او دارد غیبه می‌کند و لکن
هرگز باو حسد نمی‌ورزد چنانکه فضیل بن
عیاض از امام ششم نقل می‌کند که فرمود
" مومن نسبت به مومن دیگر غیبه
می‌کند و لکن حسد نمی‌ورزد ولی منافق (به
عکس مومن) نسبت بدیگری حسد می‌ورزد و
هرگز غیبه نمی‌کند . " ۱۹

چنانکه ملاحظه می‌کنید صفت حسد
مذموم با ایمان سازگاری نداشته نمی‌تواند
از صفات مومن واقعی بوده باشد .

پیامبرگرامی اسلام (ص) فرمود :
دو چیز از صفات مومن نیست یکی تملق و
چاپلوسی ، دیگری حسدورزیدن نسبت
بدیگری مگر در طلب علم و دانش " ۲۰

و از برخی از روایات استفاده می‌شود
که حسد گاهی انسان را بمرحلهٔ کفر و شرک
نزدیک می‌سازد .

ابوبصیر از امام صادق (ع) چنین
نقل می‌کند ارکان کفر سه چیز است ۱- طمع
۲- طلب بزرگی و نخوت ۳- حسد ۲۱

۲۲- مستدرک ج ۲ ص ۳۲۷

۲۳- بحار ج ۱۷ ص ۲۴۶

۲۴- مستدرک ج ۲ ص ۳۲۷

۲۵- وافی ج ۳ ص ۱۴۸

۲۶- مستدرک ج ۲ ص ۳۲۷

۱۸- حقایق ص ۴۱

۱۹- وافی ج ۳ ص ۱۴۸

۲۰- ج ۲ ص ۹۹

۲۱- وافی ج ۳ ص ۱۴۵

چگونه تورات تحریف شد؟

خوشبختانه ، تورات کنونی و کتابهای عهد قدیم ، به وجود تحریف و حتی نابودی تورات واقعی و راستینی که بر موسی (ع) نازل شد ، تصدیق و دلالت دارند .

در چنین شرایط آیا پیروان آئین یهود و مسیحیت ، بحکم اینکه "آفتاب آمد دلیل آفتاب" نباید بپذیرند که این کتابها در اثر اغراض و امیال گروهی از "خاخامها" و ویرانگریهای بعضی از کشورگشایان ، دچار تحریف گشته است؟ آیا دفاع برخی از حامیان عهدین و آسمانی پنداشتن آن کتابها دلیل این نیست که آنان "کاسه از آش داغ ترند" . . . و آیا باز هم سماجت، یهود در تعبد به عقاید خود و ثبات مسیحیت در صرف آن همه بودجه ، برای تبلیغ مذهب مسیح ، منطقی و معقول است؟

باری ، تورات و عهد عتیق با صراحت تمام می گوید که اولاً کتاب آسمانی موسی یکی بود و تنها در یک نسخه در میان الواحی قرار داشت . این پیامبر خدا ، آن را به دست جمعی از مشایخ قوم خود به امانت سپرد تا در هر هفت سال به وقت معینی ، آن

گفتم نشانه هایی روشن و دلایلی قاطع در دست است که تحریف عهدین (کتب مقدسه یهود و مسیحیت) را حکایت و اثبات می کند .

اینک در مقام تحلیل و بررسی این بحشیم که چگونه و چرا عهد عتیق (کتابهای به اصطلاح آسمانی یهود) دچار تحریف گشت؟ گرچه از جهات گوناگون می توان بر تحریف تورات و دگرگون شدن دیگر کتابهای مذهبی یهود و نصاری استدلال کرد لیکن ، نزدیکترین راه وصول و شناخت این حقیقت ، مطالعه ودقت در متون همین کتابها می باشد .

آفتاب آمد دلیل آفتاب

جای بسی ناثر و شگفت است که هنوز هم پیروان آئین یهود و مسیح در پای بندی و تعصب به مذهب خویش اصرار می ورزند ، و نمی خواهند حجاب عادت و انس به آئین نامقولشان را بدرند و سراز تنگنای تقلید بدون دلیل دینی بدر آورند .

که به شماره و حساب نمی‌آید و کاهنان تابوت عهد خداوند را به مکانش در محراب خانه یعنی در "قدس الاقدس" زیر باله‌های "کروبیان" درآوردند... و در تابوت چیزی نبود سوی آن دو لوح سنگ که موسی در "حوریب" ^۳ در آن گذاشت ^۴

ملاحظه می‌کنید که جمله‌های نقل شده با صراحت تمام می‌گوید کاهنان، تابوت عهد خداوند را (صندوقی که تورات در آن قرار داشت)، به نزد سلیمان آوردند، اما چون در آن صندوق گشوده شد از تورات اثری نبود و جز دو سنگ که موسی در هوریب گذاشته بود چیز دیگری یافت نشد.

حادثه بخت النصر

سیر تحولات تاریخی تورات و کتابهای عهد عتیق نشان می‌دهد که این کتابها، چندین بار دستخوش حمله‌ها و ویرانیه‌ها و نابودیه‌ها قرار گرفت. با آنکه به اعتراف محققان یهودی و مسیحی، سرگذشت کتابهای

را بر بنی اسرائیل بخوانند. اما همین کتابها نقل می‌کنند که موسی بن عمران (ع) این برگزیدگان قوم، و اماناء تورات را خائن، فاسد، گردن‌کش و فتنه‌انگیز خوانده است...^۱ نایب، تورات موسی از زمان سلطنت "سلیمان" پادشاه، ناپدید و نابود شده بود. در کتاب عهدین ^۲ در این باره چنین می‌خوانیم "آنگاه سلیمان، مشایخ اسرائیل و جمیع روسای اسباط" و سروران خانه‌های "آبای بنی اسرائیل" را نزد سلیمان پادشاه در "اورشلم" جمع کرد، تا تابوت عهد خداوند را (همان صندوقی که تورات در آن جاداشت) از شهر "داود" که "صهیون" باشد برآورند و جمیع مشایخ اسرائیل آمدند، و کاهنان، تورات را برداشتند، تابوت خداوند و خیمه اجتماع و همه آلات مقدس را که در خیمه بود آوردند و کاهنان و "لاویان" آنها را برآوردند و سلیمان پادشاه، و تمامی جماعت اسرائیل که نزد وی جمع شده بودند پیش روی تابوت همراهی "ایستادند و آنقدر گوسفند و گاو ذبح کردند

۱- نگاه کنید به سفر تثنیه باب ۳۴ جمله ۶ و باب ۳۱ جمله‌های ۹ و ۲۵ و سفر اعداد

باب ۲۵ جمله ۳

۲- چاپ لندن بسال ۱۹۵۱ میلادی. گاه به این علت تاریخ طبع عهدین را نقل می‌کنیم که در چاپهای متعدد و بعدی آن، تغییراتی داده و جملاتی را حذف کرده‌اند.

۳- تورات مثنی محلی را که شریعت به اسرائیلیان وارد شده حوریب نامیده است. در حالیکه همان محل در سایر اسفار مقدسه! "سینا" خوانده شده است (این نیز یکی از دیگر از موارد اختلاف این کتابها با همدیگر است) قاموس کتاب مقدس ص ۴۹۸

۴- اول پادشاهان باب ۸ جمله‌های ۱ تا ۱۵

دوم خانه خدا (بیت المقدس) و تمام خانه‌های شهر را غارت کرد و سپس آنها را به آتش کشید و سوزانید ، و از خون عده زیادی خاک این سرزمین را رنگین ساخت .

داستان ویرانی شهر اورشلیم و به غارت رفتن اموال مردم و کشته شدن جمعی کثیر در کتابهای عهد عتیق مانند کتاب دوم پادشاهان و دوم تواریخ ایام و کتاب نحما ، گاه به تفصیل و دیگر گاه به اشاره مورد گفتگو قرار گرفته است

مثلا در کتاب دوم پادشاهان می خوانیم " و نیز به سبب خون بیگانهانی که او (بخت النصر) ریخته بود ، زیرا که اورشلیم را از خون بیگانهان پر کرده بود . . . ۶۰ در مجموع ، آنچه از منطوق و مفهوم عبارات عهد عتیق پیرامون حوادث سهمگین و یورشهای بیدادگرانه ی مهاجمان بخت النصر بدست می آید ، بیگمان تورات اصلی هم بدنبال تمام موجودی بیت المقدس و شهر اورشلیم به غارت رفت و قطعا مفقود و معدوم گردید .

افزافه بر آنچه گفتیم ، از محتویات عهد عتیق مفهوم میگردد که از نژاد اسرائیل سلاطین و پادشاهانی بر شهر اورشلیم ، حکومت کردند که بت پرستی و شرک را شعار خود قرار داده و تمام شریعت موسی و مقررات و دستورات او را پایمال کرده بودند .

روزگاری طولانی بر مردم یهود

عهد عتیق ، پیش از حادثه " بخت النصر " روشن نیست ، ولی این واقعیت قطعی تاریخی مورد تصدیق تمام فرقه‌های یهود و مسیحیت است که " بخت نصر " در حمله خود به اورشلیم و شهرهای مسکونی یهود ، بطور کلی کتابهای عهد عتیق را نابود کرد .

بنابراین ، از جمله شواهد اطمینان بخش و دلایل روشن که مفقود شدن و از بین رفتن تورات اصلی را حکایت و اثبات می کند ، مدارک تاریخی است که حوادث سهمگین اورشلیم و ملت یهود را شرح میدهد .

چنانکه گفتیم ، اورشلیم و موجودیت آن بارها مورد تجاوز جباران و مستمگران قرار گرفت که از انجام هیچ نوع قتل و غارت در آن ، امتناع نورزیدند . یکی از این یورشها بوسیله پادشاه " بابل " بخت النصر (که عهدین از آن به نام " بنوکدنصر " یاد می کند ، صورت گرفت . شرح حمله و یورش این کشورگشای بیدادگر ، در کتابهای عهد عتیق آمده از جمله در کتاب " دانیال " بدینگونه آغاز شده است " در سال سوم سلطنت " یهو یاقیم پادشاه یهود " بنوکدنصر " (بخت نصر) پادشاه بابل به اورشلیم آمده آن را محاصره نمود ^۵

بخت النصر یا بنوکدنصر ، دوبار بر شهر اورشلیم ناخت ، و مخصوصا در بار

۵ - دانیال باب اول جمله اول
۶ - دوم پادشاهان باب ۲۴ جمله ۴

اسارت قوم یهود در بابل از بین رفت و سپس "عزرا" آن را بار دیگر جمع آوری نمود. "جانملز" که از محققان کاتولیک مذهب است می نویسد محققان و مورخان، اتفاق دارند بر اینکه نسخه اصلی تورات و همچنین نسخه واقعی سایر کتب عهد عتیق بدست سپاهیان خونخوار "بخت النصر" ضایع و ناپدید شد، ولی منقولات صحیحی تورات و عهد عتیق به واسطه "عزرا" با زحمات زیاد جمع آوری گشت که متأسفانه این مجموعه بار دیگر در حادثه "انتیوکس" بکلی از بین رفت^۸

"اسپوزا" در رساله "دین و دولت" می گوید محتوای عهد عتیق به علت دگرگونی، منطقی نیست. هدف آن اقتناع عقل نمی باشد، بلکه جلب اعزاء قوه تخیل است^۹

ویل دورانت می نویسد "ولتر" فیلسوف معروف فرانسوی بایک انتقاد عالی در صحت و اصالت تورات کنونی تردید کرد^{۱۰} سپس همین نویسنده آمریکائی (ویل دورانت) می گوید اینکه اسفار چگونه و چه وقت و کجا نوشته شده سئوالی است که پرسیدن آن عیبی ندارد، و سبب آن شده است که پنجاه هزار جلد کتاب در این باره

گذشت که به هیچیک از شئون مذهبی خویش دسترسی نداشت و از وجود یک راهنمای دینی برای آموزش مسائل مذهبی محروم بود چنانکه در کتاب تواریخ ایام می خوانیم "اسرائیل مدت مدیدی بی خدا و بی کاهن و معلم و بی شریعت بودند. ۷"

با این بیان، آیا باز هم می توان گفت که تورات و دیگر کتابهای عهد عتیق در طی آن همه حوادث و جزر و مدهای سهمگین همچنان به صورت اصلی خود باقی مانده و دچار هیچگونه تحریف نگردیده است؟

وبرانی شهر اورشلیم، قتل عام مردم بیگناه، چپاول و غارت اموال آنان و مهمتراز همه آتش سوزی گسترده و همه گیر، حتی احتمال مصون ماندن این کتابها را از گزند آن همه حوادث از بین می برد.

از این رو، بسیاری از محققان مسیحی و یهودی در اصالت و صحت کتابهای عهد عتیق تردید کردند، و گروهی از ایشان آن را ساخته فکر و دست خاخامها و کشیشان می دانند.

"تر تولین" می گوید دانشمندان را عقیده بر این است که "مجموعه‌ی عهد عتیق در غارت و آتش سوزی اورشلیم و

۷- کتاب دوم تواریخ ایام باب ۱۵ جمله ۳

۸- نگاه کنید به انیس الاعلام طبع جدید ج ۳ ص ۱۹

۹- ۱۰- تاریخ فلسفه ویل دورانت از صفحه ۲۲۶ تا ۲۲۸

یافته حیوان میدانند و چندان اختلافی میان ایندو تصور نمی‌کند .

داروین معتقد است که میان انسان و میمون یک حلقه بیش فاصله نیست ، که اگر این حلقه نیز بدست آید شجره انسان به روشنی معلوم می‌گردد .

چنین مکتبی که انسان را زاده میمون میدانند نمی‌تواند احترام انسان را بروشنی درک کند .

بقیه بیماری خطرناکی که ...

امام چهارم (ع) فرمود حسد پیشرو بدیها می‌باشد (چنانکه) اختلاف هاییل و قابیل و کشته شدن هاییل بدست قابیل ناشی از صفت مذموم حسد بوده است "۲۷"

و در برخی از روایات وارد است که از این صفت مذموم صفت های زیر منشعب می‌گردد علاقه غیر عادی و مفرط به زن و حب دنیا و ریاست طلبی و ابتلاء بطول کلام و برتری طلبی و علاقه بیش از حد به مال و ثروت "۲۸"



۲۷- بحار ج ۱۷ ص ۲۰۵
۲۸- وافی ج ۳ ص ۱۵۲

نوشته شود ولی ما آن را در یک بند از کتاب نقل می‌کنیم که البته جوابی هم در مقابل آن نخواهیم داشت . ۱۱

اینک ملاحظه می‌کنید ، گروهی از ... تهای برجسته علمی که یا یهودی‌اند و یامسیحی ... اصراحت تمام اعتراف دارند مجموعاً یکه اکنون در دسترس ملت یهودیا پیروان مذهب مسیحیت است به هیچوجه نمی‌تواند آسمانی و الهامی باشد ، بلکه محققاً دست تحریف و دگرگون ساز خائنان ، در آن راه یافته است .

باری ، نتیجه‌ی آن تحریف ها و وارونه گری‌ها این شد که روشنفکران جهان مسیحیت ، پس از توجه به نامعقول و خرافاتی بودن محتویات عهدین ، از هرچه که نام مذهب و دین دارد بگریزند و نسبت به آن دهن کجی کنند ، لذا مسیحیت در قلمرو خود ، جز در مسیر منافع دولتها به حرکت نمی‌افتد ، و نفوذی در دل توده‌ها بویژه روشنفکران مسیحی ندارد .

۱۱- تاریخ تمدن ویل دورانت ج ۱ ص ۴۸۶

بقیه احترام بجان مسلمانان

و روحی از خود در آن دمیدم در برابر آن سجده کنید .

تانیاماد دیگری امروز بر اساس تحول انواع نکیه کرده و چندان فاصله ای میان انسان و حیوان قائل نیست وی انسان را تکامل

حشمتاکی دربارهٔ انتحار

در سی سال اخیر در جهان ۱۷ میلیون تن بر اثر خودکشی جان خود را از دست داده‌اند
هر سال یک میلیون نفر دست به خودکشی می‌زنند

برای معدودی از مردم جهان خودکشی
و قطع پیوند با زندگی ، نقطه پایان و درمان
قطعی تمام دردهای به‌ظاهر بی‌درمان جسمی
و روانی است و هرچه آثار تمدن ماشینی
بیشتر ظاهر می‌شود این توهم نیز در جوامع
پیشرفته جهان قوت و قدرت بیشتری می‌یابد .

عوارض ماشینیزم

خودکشی و به عبارتی قصد فرار از
" زندگی " یکی از مهم‌ترین مسائل کشورهای
پیشرفته و در حال توسعه را تشکیل می‌دهد
چراکه " ماشینیزم " و عوارض حاد آن مردم
را از هم دور می‌کند و شیرازه خانواده‌ها را
از هم می‌گسند .

x در سراسر جهان هر روز ۱۲ هزار نفر اقدام
به خودکشی می‌کنند و از این عده یک‌هزار نفر
جان می‌سپارند .

x ۹۵ درصد افرادی که دست به خودکشی
می‌زنند ، در آخرین لحظات پشیمان می‌شوند
ولی همه آنها قادر بر بازگشت به زندگی
نیستند .

" همه ما ، در هر موقعیت و مقامی
بسربریم ، در طول عمر خود حداقل برای
یکبار هم که شده فکر خودکشی به‌معزمان‌خطور
می‌کند " این عقیده ، نتیجه ۴۸ سال تحقیق
و تجربه " دکتر چارلز- اوتیگر " روانشناس
معروف معاصر آمریکایی است .

خود را به‌وادای مرگ بکشاند؟
مادر سیاوش می‌گوید

" پسر من از هر جهت زندگی مرفه‌ی دارد، در یک شرکت خصوصی کار می‌کند، ماهانه ۳۵ هزار ریال حقوق می‌گیرد سال گذشته پدرش یک آپارتمان نسبتاً خوب در غرب تهران خریداری و به او هدیه کرده است، در سال جاری به او کمک کردیم تا اتومبیل ایرانی‌اش را به اتومبیل آخرین سیستم اروپائی تبدیل کند، دیگر واقعا مستاصل شده‌ایم و نمی‌دانیم برای این پسر چه‌کار باید بکنیم؟

هر روز دوازده هزار خودکشی

آخرین آمارگیری محققان جهان در این رشته نشان می‌دهد که هر روز در سراسر جهان ۱۲ هزار نفر قصد جان خود را می‌کنند و متأسفانه هزار نفرشان به‌کام مرگ فرو می‌روند و بدن نیست بدانید که ۹۵ درصد از این مرگ آفرینان در آخرین لحظات با التماس از اطرافیانشان تقاضای کمک می‌کنند و با پنجه‌های ناتوان، به زندگی چنگ می‌زنند تا لحظاتی بیشتر زندگی کنند.

دکتر "چارلز - او - تیگر" که قسمت اعظم عمر خود را صرف تحقیق درباره علل خودکشی کرده معتقد است پنجاه درصد کسانی که در ۳۰ سال گذشته دست به انتحار زده و از مرگ نجات یافته‌اند، ظاهراً علت

افرادی که دست به خودکشی می‌زنند ممکن است دلایل متفاوتی داشته باشند اما قطعاً روحیه‌ای مشابه دارند و اکثر آنان افرادی ضعیف و بی‌منطق‌اند، دنیای درونشان مملو از خیال و تاثیرپذیری است شخصی که قصد خودکشی دارد با یک جمله کوتاه، دگرگون و به‌زندگی علاقه‌مند می‌شود و اگر ساعتی بعد جمله‌ای دیگر بشنود چه بسا که بار دیگر قصد جان خود را کند، روی هم رفته بیشتر کسانی که عمداً خود را در کام مرگ رها می‌کنند اشخاص بی‌ثباتی هستند که فوراً تحت نفوذ شخصیت دیگران قرار می‌گیرند.

بی‌ثباتی و عدم اعتماد به نفس

سیاوش (الف) ۲۴ ساله، ساکن تهران ساعت ۱۱ بعد از ظهر با مادرش یگویی می‌کند، یک ساعت بعد در آپارتمان محل سکونت خود ۲۰ قرص خواب آور می‌خورد و ده دقیقه بعد تحت تاثیر یک جمله‌گوینده رادیو از کرده خود پشیمان می‌شود و به وسیله تلفن از مادرش کمک می‌خواهد و صبح روز بعد در بیمارستان به‌دنیا یک مشاجره سطحی با "پدر" آرزو می‌کند که ای کاش تقاضای کمک نمی‌کرد، این یک روحیه سالم نیست، چگونه ممکن است انسانی با تمام موهباتی که در اختیار دارد طرف ۱۲ ساعت ۲ بار قصد جان خود را بکند و یکبار عملاً

یک میلیون نفر را از زندگی محروم کرده است درحالی که اگر تنها برای یک لحظه به خود زحمت دهند و درمورد میلیاردها انسان درگذشته اندیشه کنند پی خواهند برد که جهان و مردم آن بی اعتنا به مرگ هرکس زندگی را دنبال می کنند و لحظه ای متوقف نخواهند شد .

ویژگیهای روانی و فکری

ویژگیهای روانی انتحارکنندگان متفاوت است و نمی توان سرشت و سبزه ای برای آنها مشخص کرد اغلب افرادی که قصد جان خود را می کنند افرادی حساس، هیجان زده، غمگین و گوشه گیراند، اما در مسان انتحارکنندگان بعضی خصوصیات دیگر نیز به صورت پراکنده وجود دارد که مهمترین این خصوصیات خودپرستی، سردمراچی، پرشوری، غیراجتماعی بودن، پرتوقعی، افسردگی و غیره است .

دانشمندان جهان با بیش از ۸۰۰ کالبدشکافی روانی توانسته اند به ویژگیهای مشترک بسیاری از انتحارکنندگان دست یابند و ثابت کنند ۹۰ درصد ناامید های دل زده از زندگی تا آخرین لحظات نمی توانند تصمیم بگیرند و همواره بیس انتخاب مرگ و زندگی در تردید و دودلی بسر می برند و چه بسا در این زمان کسی برسد و بایند و اندرز او را از کنار پرتگاه

خودکشی را تهیدستی و فرار از فقر عنوان کرده اند درحالی که پس از تحقیقات دامنه دار و همه جانبه خلاف این گفته ها به اثبات رسیده و معلوم شده است که تنها ۹ درصد از کسانی که قصد خودکشی می کنند، هدف اصلی شان فرار از فقر و بدهکاری است .

طبق آمار بدست آمده درسی سال گذشته ۳۵ میلیون نفر در سراسر جهان انتحار کرده اند که از این عده ۱۷ میلیون نفر به هلاکت رسیده اند .

انگیزه های مختلف

پرفسور "رابرت ایوانز" محقق انگلیسی درمورد خودکشی گفته است ناکامی و عدم موفقیت در کارهای اجتماعی، یکی از عوامل مهم بی زاری از زندگی در برخی از افراد است در این گونه موارد فرد به محض این که تمام درها را ظاهراً به روی خود بسته می بیند به سوی مرگ می شتابد و یا افرادی که تربیت نادرستی دارند و دچار ضعف فرهنگی هستند، چاره بسیاری از مسائل عادی خود را در انتحار می بینند .

بعضی از افراد به غلط تصور می کنند اگر خود را از نعمت زندگی محروم کنند جهان از کار خود باز می ماند و لحظه ای پس از مرگ آنها مردم سراسر جهان درسوگ می نشینند و کار جهان را رها می کنند این تصور ناهجا شاید تاکنون بیش از

تحقیقات علمی و کاوش‌های چند ساله روانپزشکان جهان به این نتیجه رسیده است که برای جلوگیری از خودکشی ابتدا باید به علل انتحار در طبقات گوناگون پی برد و سپس گام در راه پیش‌گیری گذارد و برای شناخت علل خودکشی نیز تنه‌آراه پی بردن به افکار و احساسات درونی اینگونه افراد است و تنها از طریق مطالعه "درون" افراد است که عمل پیشگیری از خودکشی میسر می‌شود .

"دکتر فاربرو" و "دکتر شیندمنس"

دو تن از پزشکان محقق آمریکائی اعلام کرده‌اند که طی پنج سال تلاش و انجام یک سلسله کارهای اساسی توانسته‌اند تمایل به خودکشی را در ایالت کالیفرنیا از ۵۱ درصد به ۴۸ درصد برسانند و موسسه دیگری بنام مجمع ملی نجات در ایالت نیویورک مدعی است که از طریق روان درمانی موفق شده است ۵ هزار نفر را از مرگ حتمی برهاند .

(نقل و تلخیص از مطبوعات)

مکتب اسلام

انتحار حربه افراد ضعیف و ناتوان در مبارزه با نگرانیهاست ، انتحار نشانه ضعف شخصیت و عدم ایمان محکم و پابرجا است ، به همین دلیل در روایات اسلامی

" فردریک هگل " فیلسوف بلند آوازه آلمانی هنگامی که زن مورد علاقه خود را در اثر سگته قلبی از دست داد ، بارها درصد برآمد که خود را از قید زندگی برهاند و حتی معتقد شد که نام این عمل " رهائی " است نه " خودکشی " اما پس از مدتی که در تحقیقات علمی خود موفقیت هائی به دست آورد از خودکشی چشم پوشید و با حرارت بیشتری به کارهایش ادامه داد .

عده زنان بیشتر است

در کشور ما طبق آخرین آمار از نظر اقدام به خودکشی ، زنان در مقام اول جای دارند ، اما خودکشی مردان مرکب تر است و علت آن نیز از دیدگاه روانشناسان چنین است که زنان بیشتر تظاهر به خودکشی می‌کنند ، به این ترتیب که مقداری سم یا وسیله دیگری را تهیه کرده و در حضور دیگران دست به این عمل می‌زنند و طبیعی است که با کمک دیگران به موقع از مرگ نجات می‌یابند . اما مردان به ویژه برخی از مردان مجرد سعی می‌کنند هنگامی دست به خودکشی بزنند که محیط خلوت است و مانعی در کار نیست .

طرق پیشگیری

بقیه مقایسه جهان بینی ساسانی

باجهان بینی اسلامی

تجملات بی حساب ، شدیداً مخالف است ، خصوصاً در موقعی که جامعه نیاز شدیدی به بودجه مالی داشته باشد . میدانیم در روزگاری که ایران بدست مسلمانان افتاد بیش از صدی نود و هشت مردم بی چاره ایران و ملت کشورهای همسایه حداقل زندگی رانداشتند البته در چنین روزگاری از عدل و انصاف و انسانیت دور است ثروت سرشار و کلان برای هوسرانی و عیاشی عده معدود احتکار گردد روی این جهت مسلمانان مجاهد باقی مانده گنجهای چهار صد ساله ساسانی را در راه رفاه عمومی صرف کردند .

می خوانیم که ان المومن لیموت بکل میتسه الا انه لا یقتل نفسه " افراد با ایمان همه گونه ممکن است از دنیا بروند ، ولی هرگز خودکشی نمی کنند " زیرا یک فرد با ایمان متکی به قدرت بی پایان پروردگار ، و لطف بی حساب اوست ، بهمین جهت هیچگاه مایوس نمی شود ، و ابرهای سیاه نومیدی که سرچشمه بیشتر خودکشیها است بر روح او سایه نمی افکند .

او با چهره گشاده و ایمان راسخ و روح رضا و تسلیم با مشکلات روبرو می شود و همواره می کوشد بر آنها چیره گردد ، و اگر بعد از همه تلاش و کوششها نتوانست مشکلی را حل کند ، موقتا به نوعی با آن کنار می آید و به امید پیروزی آینده زنده خواهد بود .

پاکیزگی

پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود

الاسلام نظیف فتنظفوا فانه لا یدخل الجنه الا نظیف

اسلام بر اساس پاکیزگی استوار است ، پاکیزگی را پیشه خود سازید زیرا جز

پاکان کسی به بهشت نمی رود .

(نهج الفصاحه حدیث ۱۰۵۵۰)